استفتائات روزه – آیت الله خامنه‌ای

**شرایط وجوب و صحت روزه**

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

سؤال 731: دخترى که به سن تکليف رسيده، ولى به علت ضعف جسمانى توانايى روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمى‏تواند قضاى آن را به جا آورد تا اينکه ماه رمضان سال بعد فرا مى‏رسد، چه حکمى دارد؟
پاسخ: ناتوانى از گرفتن روزه و قضاى آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضاى روزه نمى‏شود، بلکه قضاى روزه‏هاى ماه رمضان که از او فوت شده، بر وى واجب است.

سؤال 732: دخترانى که تازه به سن تکليف رسيده‏اند و روزه گرفتن بر آنها مقدارى مشکل است، چه حکمى دارند؟ آيا سن بلوغ شرعى دختران اکمال نه سال قمرى است؟
پاسخ: بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعى دختران همان تکميل نه سال قمرى است که در اين هنگام روزه بر آنها واجب است و ترک آن به مجرد بعضى از عذرها جايز نيست، ولى اگر روزه گرفتن براى ايشان ضرر داشته باشد يا تحمل آن برايشان همراه با مشقت زياد باشد، افطار براى آنها جايز است.

سؤال 733: من زمان دقيق رسيدن به سن تکليف خود را نمى‏دانم، از جناب عالى خواهشمندم بيان فرماييد که از چه زمانى قضاى نماز و روزه بر من واجب است؟
پاسخ: فقط قضاى آن مقدار از نمازها و روزه‏ها که يقين به فوت آن بعد از رسيدن به سن قطعى تکليف شرعى داريد، بر شما واجب است.

سؤال 734: اگر دختر نه ساله‏اى که روزه بر او واجب شده، به دليل دشوارى، روزه‏اش را افطار نمايد، آيا قضا بر او واجب است يا خير؟
پاسخ: قضاى روزه‏هايى که از ماه رمضان افطار کرده، بر او واجب است.

سؤال 735: اگر فردى به خاطر عذرى قوى، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نيست و به همين دليل روزه نگيرد، ولى بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفّاره چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر افطار عمدى روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وى باشد، در فرض سوال علاوه بر قضا، کفّاره هم بر او واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلايى داشته باشد، کفّاره واجب نيست، ولى قضا بر او واجب است.

س 736: شخصى مشغول انجام خدمت سربازى است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت، نمى‏تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگيرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نيز در محل خدمت است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگيرد، اگر پس از پايان دوره خدمت سربازى بخواهد روزه اين دو ماه را قضا نمايد، آيا کفّاره هم بر او واجب است يا خير؟
پاسخ: کسى که بر اثر عذر مسافرت، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آينده استمرار داشته، فقط قضاى آن بر او واجب است و کفّاره تأخير واجب نيست.

سؤال 737: اگر شخص روزه دار جنب باشد و تا قبل از اذان ظهر متوجه آن نشود و پس از آن غسل ارتماسى نمايد، آيا روزه‏اش باطل مى‏شود؟ و اگر بعد از غسل متوجه شود که در حال روزه غسل ارتماسى نموده است، آيا قضاى آن واجب است؟
پاسخ: اگر غسل ارتماسى بر اثر فراموشى و غفلت از روزه دار بودن باشد، غسل و روزه او صحيح است و قضاى روزه‏اش بر او واجب نيست.

سؤال 738: اگر شخصى بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولى در راه به خاطر پيشامد حادثه‏اى نتواند در زمان معيّن به مقصد برسد، آيا روزه او اشکال دارد و آيا کفّاره بر او واجب است يا فقط قضاى روزه آن روز را بايد به جا آورد؟
پاسخ: روزه‏اش در سفر صحيح نيست و بر او فقط قضاى روزه آن روزى که پيش از ظهر به محل اقامتش نرسيده، واجب است و کفّاره‏اى هم ندارد.

سؤال 739: اگر هواپيما در ارتفاع بالا و مسير طولانى در حال پرواز باشد و پرواز حدود دو ساعت و نيم تا سه ساعت طول بکشد، مهماندار و خلبان هواپيما براى حفظ تعادل خود هر بيست دقيقه احتياج به نوشيدن آب دارند، در اين صورت آيا در ماه مبارک رمضان، کفّاره و قضاى روزه بر آنها واجب مى‏شود؟
پاسخ: اگر روزه براى آنها ضرر داشته باشد، جايز است که با نوشيدن آب افطار نمايند و قضاى آن را بجا آورند و در اين حالت کفّاره بر آنها واجب نيست.

سؤال 740: اگر زن در ماه مبارک رمضان دو ساعت يا کمتر مانده به اذان مغرب حيض شود، آيا روزه‏اش باطل مى‏شود؟
پاسخ: روزه‏اش باطل است.

سؤال 741: کسى که با پوشيدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصى) بدون اينکه بدنش خيس شود، در آب فرو رود، روزه‏اش چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر لباس به سر او چسبيده باشد، صحّت‏ روزه‏اش محل اشکال است و بنا بر احتياط وجوبى قضاى آن لازم است.

سؤال 742: آيا مسافرت عمدى در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جايز است؟
پاسخ: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت، ولو اينکه براى فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است.

سؤال 743: شخصى که روزه واجب بر عهده‏اش است و قصد دارد که آن را بگيرد، ولى بر اثر پيشامدى نتواند روزه بگيرد مثلاً بعد از طلوع خورشيد آماده مسافرت شد و به سفر رفت و بعد از ظهر برگشت و در بين راه هم مرتکب هيچ‌يک از مفطرات نشد، ولى وقت نيت روزه واجب از وى فوت شد، و آن روز هم از روزهايى است که روزه در آن مستحب است، آيا مى‏تواند نيت روزه مستحبى کند يا خير؟
پاسخ: اگر قضاى روزه ماه رمضان بر ذمّه‏اش باشد، نيت روزه مستحبى حتى بعد از فوت وقت نيت روزه واجب، از وى صحيح نيست.

سؤال 744: من معتاد به سيگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش مى‏کنم که تندخو نباشم نمى‏توانم و همين باعث ناراحتى زياد افراد خانواده‏ام شده است و خودم هم از وضعيت دشوارم رنج مى‏برم، تکليف من چيست؟
پاسخ: روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و بنا بر احتياط واجب جايز نيست در حال روزه سيگار بکشيد، و نبايد بدون دليل با ديگران تند برخورد کنيد.

**زن باردار و شیرده**

سؤال 745: آيا روزه گرفتن بر زن باردارى که نمى‏داند روزه براى جنين او ضرر دارد يا خير، واجب است؟
پاسخ: اگر بر اثر روزه، خوف ضرر بر جنين داشته باشد و خوف وى هم داراى منشأ عقلايى باشد، افطار بر او واجب است و در غير اين صورت واجب است که روزه بگيرد.

سؤال 746: زنى که کودک خود را شير مى‏داده و باردار هم بوده و در همان حال روزه ماه رمضان را هم گرفته است، و هنگام زايمان فرزندش مرده به دنيا آمد، اگر از ابتدا احتمال ضرر را مى‏‌داده و در عين حال روزه گرفته است:
1. آيا روزه‌‏اش صحيح است يا خير؟
2. آيا ديه بر ذمّه او هست يا خير؟
3. اگر احتمال ضرر نمى‏‌داده، ولى بعداً معلوم شده که روزه گرفتن براى جنين ضرر داشته، چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر با وجود خوف از ضررى که داراى منشأ عقلايى است، روزه گرفته باشد و يا بعداً برايش معلوم شود که روزه براى وى يا براى جنينش ضرر داشته، روزه‏اش صحيح نيست و قضاى آن بر او واجب است، ولى ثبوت ديه جنين متوقف بر اين است که ثابت شود فوت جنين مستند به روزه گرفتن وى است.

سؤال 747: من به لطف خداوند متعال داراى فرزندى هستم که شيرخوار است. ان شاء الله تعالى بزودى ماه مبارک رمضان فرا خواهد رسيد. در حال حاضر مى‌‏توانم روزه بگيرم ولى در صورت روزه گرفتن، شيرم خشک خواهد شد. با توجه به اينکه داراى بنيه ضعيفى هستم و کودکم هر ده دقيقه شير مى‏خواهد، چه وظيفه‏‌اى دارم؟
پاسخ: اگر به دليل کم يا خشک شدن شيرتان بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود داشته باشيد، روزه‌‏تان را افطار کنيد، ولى براى هر روزى بايد يک مدّ طعام به فقير بدهيد و قضاى روزه را هم بعداً بجا آوريد.

**بیماری و منع پزشک**

سؤال 748: بعضى از پزشکان که به مسائل شرعى ملتزم نيستند، بيماران را از روزه گرفتن به دليل ضرر داشتن منع مى‏کنند، آيا گفته اين پزشکان حجت است يا خير؟
پاسخ: اگر پزشک امين نباشد و گفته او هم اطمينان آور نباشد و باعث خوف ضرر نشود، گفته او اعتبارى ندارد و در غير اين صورت نبايد روزه بگيرد.

سؤال 749: مادرم تقريباً سيزده سال بيمار بود و به همين دليل نمى‏توانست روزه بگيرد. من دقيقاً اطلاع دارم که علت روزه نگرفتن او احتياج به مصرف دارو بوده است، اميدواريم ما را راهنمايى فرماييد که آيا قضاى روزه‏ها بر او واجب است؟
پاسخ: اگر ناتوانى او از روزه گرفتن بر اثر بيمارى بوده، قضا ندارد.

سؤال 750: من بر اثر ضعف جسمانى از ابتداى سن بلوغ تا دوازده سالگى روزه نگرفته‏ام، در حال حاضر چه تکليفى دارم؟
پاسخ: واجب است روزه‏هايى را که در ماه مبارک رمضان نگرفته‏ايد با اينکه به سنّ تکليف رسيده بوديد، قضا کنيد، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدى و اختيارى و بدون عذر شرعى بوده، کفّاره هم بر شما واجب است.

سؤال 751: چشم پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده و گفته است که به علت ناراحتى چشم به هيچ وجه نبايد روزه بگيرم، ولى من به گفته او توجه نکرده و شروع به روزه گرفتن کردم که باعث بروز مشکلاتى براى من در اثناى ماه رمضان شد. به‌طورى که در بعضى از روزها هنگام عصر احساس ناراحتى مى‏کنم، لذا متحيّر و مردّد هستم بين اينکه روزه نگيرم و يا ناراحتى‏ام را تحمل کرده و روزه را تا غروب ادامه دهم. سؤال اين است که آيا اصولاً روزه گرفتن بر من واجب است؟ و در روزهايى که روزه مى‏گيرم و نمى‏دانم قدرت ادامه آن را تا غروب دارم يا نه، آيا روزه‏ام را ادامه دهم؟ و نيت من چگونه بايد باشد؟
پاسخ: اگر از گفته پزشک متديّن و امين اطمينان حاصل کنيد که روزه براى چشم شما ضرر دارد و يا خوف ضرر داشته باشيد، روزه گرفتن براى شما واجب نبوده و بلکه جايز هم نيست، و با خوف ضرر نيت روزه صحيح نيست و در صورت عدم خوف ضرر نيت روزه اشکال ندارد، ولى صحّت‏ روزه متوقف بر اين است که براى شما واقعاً ضرر نداشته باشد.

سؤال 752: من از عينک طبى استفاده مى‏کنم و در حال حاضر چشمانم بسيار ضعيف است. هنگامى که به پزشک مراجعه کردم به من گفت که اگر براى تقويت چشمانم تلاش نکنم، ضعيف‏تر خواهند شد، بنا بر اين اگر از روزه ماه رمضان معذور باشم، چه وظيفه‏اى دارم؟
پاسخ: اگر روزه براى چشمان شما ضرر دارد، واجب نيست روزه بگيريد، بلکه واجب است افطار کنيد و اگر بيمارى شما تا ماه رمضان آينده استمرار پيدا کرد، قضاى روزه بر شما واجب نيست، ولى واجب است که عوض هر روز يک مدّ طعام به فقير بدهيد.

سؤال 753: مادرم به بيمارى شديدى مبتلاست و پدرم نيز از ضعف جسمانى رنج مى‏برد و در عين حال هر دو روزه مى‏گيرند که گاهى مشخص است که روزه باعث تشديد بيمارى آنها مى‏شود، تاکنون نتوانسته‏ام آنها را قانع کنم که لااقل هنگام شدت بيمارى روزه نگيرند. خواهشمنديم ما را در مورد حکم روزه آنها راهنمايى فرماييد.
پاسخ: ملاک تأثير روزه در ايجاد بيمارى يا تشديد آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن تشخيص خود روزه دار نسبت به خودش است و اگر بداند روزه براى او ضرر دارد يا خوف ضرر داشته باشد و در عين حال بخواهد روزه بگيرد، روزه گرفتن براى وى حرام است.

سؤال 754: در سال گذشته توسط پزشک متخصص موردعمل جراحى کليه قرار گرفتم. وى مرا از گرفتن روزه تا آخر عمر منع نمود، ولى در حال حاضر هيچ مشکل و دردى احساس نمى‏کنم و حتى به‌طور طبيعى غذا مى‏خورم وآب مى‏نوشم و هيچ‌يک از عوارض بيمارى را هم حس نمى‏کنم، وظيفه من چيست؟
پاسخ: اگر خود شما از ضرر روزه خوف نداريد و حجت شرعى هم بر آن نداريد، واجب است روزه ماه رمضان را بگيريد.

سؤال755: اگر پزشک شخصى را از روزه گرفتن منع کند آيا با توجه به اينکه بعضى از پزشکان اطلاعى از مسائل شرعى ندارند، عمل به گفته او واجب است؟
پاسخ: اگر مکلّف از گفته پزشک يقين پيدا کند که روزه براى او ضرر دارد و يا از گفته وى يا منشأ عقلايى ديگرى براى او خوف از ضرر حاصل شود، روزه گرفتن براى او واجب نيست، بلکه جايز هم نيست.

سؤال 756: در کليه‏هاى من سنگ جمع مى‏شود و تنها راه جلوگيرى از جمع شدن سنگ در کليه، نوشيدن مستمر مايعات است و از آنجايى که پزشکان معتقدند که من نبايد روزه بگيرم، تکليف واجب من نسبت به روزه ماه مبارک رمضان چيست؟
پاسخ: اگر جلوگيرى از بيمارى کليه مستلزم نوشيدن آب يا ساير مايعات در طول روز باشد، روزه گرفتن بر شما واجب نيست.

سؤال 757: از آنجا که مبتلايان به مرض قند مجبورند هر روز يک يا دو بار آمپول انسولين تزريق کنند و نبايد در وعده‏هاى غذايى آنها تأخير و فاصله بيفتد، زيرا باعث پائين آمدن ميزان قند خون و در نتيجه نوعى تشنج و بيهوشى مى‏شود، لذا گاهى پزشکان به آنها توصيه مى‏کنند که در روز چهار نوبت غذا بخورند، خواهشمنديم نظر شريف خود را درباره روزه اين افراد بيان فرماييد.
پاسخ: اگر بدانند که خوددارى از خوردن و آشاميدن از طلوع فجر تا غروب، به آنان ضرر مى‏رساند يا خوف ضرر داشته باشند، روزه گرفتن بر آنها واجب نبوده و بلکه جايز نيست.

**مبطلات روزه**

سؤال 758: من در روز ماه رمضان به علّت اغواى شيطان تصميم گرفتم روزه‏ام را باطل کنم لکن قبل از اين که عملى که روزه را باطل مى‏کند انجام دهم، از تصميم خود منصرف شدم حکم روزه‏ام چيست؟ و اگر اين امر در روزه غير ماه رمضان پيش آيد چه حکمى دارد؟
پاسخ: در روزه ماه رمضان اگر در اثناى روز از نيت روزه گرفتن بر گردد به‌طورى که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه‏اش باطل مى‏شود و قصد دوباره او براى ادامه روزه فايده ندارد، البته تا اذان مغرب بايد از کارى که روزه را باطل مى‌کند خوددارى کند. امّا اگر دچار ترديد شود به اين معنى که هنوز تصميم نگرفته است روزه را باطل کند، يا تصميم بگيرد کارى را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در اين دو صورت صحّت‏ روزه او محل اشکال است و احتياط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نمايد. هر روزه واجب معيّن ديگر ـ مانند نذر معيّن و امثال آن ـ نيز داراى همين حکم است.

سؤال 759: آيا اگر از دهان شخص روزه دار خون بيايد، روزه‏اش باطل مى‏شود؟
پاسخ: روزه به سبب آن باطل نمى‏شود، ولى واجب است که از رسيدن خون به حلق جلوگيرى کند.

سؤال 760: حکم استعمال دخانيات مانند سيگار در حال روزه چيست؟
پاسخ: احتياط واجب آن است که روزه‏دار از دودهاى انواع دخانيات و نيز مواد مخدّرى که از راه بينى يا زير زبان جذب مى‏شود خوددارى کند.

سؤال 761: آيا ماده «ناس» که از توتون و غير آن ساخته مى‏شود و براى چند دقيقه زير زبان گذاشته شده و سپس از دهان بيرون انداخته مى‏شود، مبطل روزه است يا خير؟
پاسخ: اگر آب دهان مخلوط به ماده «ناس» را فرو ببرد، موجب بطلان روزه‏اش مى‏شود.

سؤال 762: نوعى داروى طبى براى اشخاص مبتلا به تنگى نفس شديد وجود دارد که عبارت است از يک قوطى که در آن مايع فشرده شده وجود دارد و با فشار دادن آن داروى مايع بصورت پودر گاز از طريق دهان وارد ريه شخص بيمار شده و موجب تسکين حال وى مى‏گردد. گاهى بيمار مجبور مى‏شود در يک روز چندين بار از آن استفاده کند، آيا با وجود استفاده از اين دارو، روزه گرفتن جايز است؟ با توجه به اينکه بدون استفاده از آن روزه گرفتن غيرممکن و يا بسيار سخت خواهد بود.
پاسخ: اگر ماده مذکور هواى فشرده همراه با دارويى هرچند به‌صورت گاز يا پودر باشد و وارد حلق شود، صحّت‏ روزه محل اشکال است و در صورتى که روزه گرفتن بدون استعمال آن، ممکن نيست يا مشقّت دارد، جايز است از آن استفاده کند، لکن احتياط آن است که مبطل ديگرى انجام ندهد و در صورت تمکّن (بدون استفاده از آن) روزه‏ها را قضا نمايد.

سؤال 763: من در بيشتر روزها آب دهانم با خونى که از لثه‏هايم مى‏آيد مخلوط مى‏شود و گاهى نمى‏دانم آب دهانى که فرو مى‏برم همراه با خون است يا خير؟ روزه‏ام با اين حال چه حکمى دارد؟ اميدوارم مرا راهنمايى فرماييد.
پاسخ: اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعيدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نيست، و همچنين در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحّت‏ روزه ضرر نمى‏زند.

سؤال 764: در يکى از روزهاى ماه رمضان روزه گرفتم ولى دندان‌هايم را مسواک نزدم، و بدون اينکه باقى‌مانده غذاهاى لابلاى دندانها را عمداً ببلعم، خودبخود بلعيده شده است. آيا قضاى روزه آن روز بر من واجب است؟
پاسخ: اگر علم به وجود باقى‌مانده غذا در بين دندانهايتان و يا علم به رسيدن آن به حلق نداشته‏ايد و فرو رفتن آن هم عمدى و با التفات نبوده، قضاى روزه بر شما واجب نيست.

سؤال 765: از لثه شخص روزه‏دارى خون زيادى خارج مى‏شود، آيا روزه‏اش باطل مى‏شود؟ آيا براى او ريختن آب با ظرف بر سرش جايز است؟
پاسخ: با خروج خون از لثه تا آن را فرو نبرده است، روزه باطل نمى‏شود. همچنين ريختن آب بر روى سر توسط ظرف و مانند آن به صحّت‏ روزه ضرر نمى‏رساند.

سؤال 766: داروهاى مخصوصى براى معالجه بعضى از بيمارى‏هاى زنان وجود دارد(شيافهاى روغنى) که در داخل بدن گذاشته مى‏شود، آيا استفاده از آن موجب بطلان روزه مى‏شود؟
پاسخ: استفاده از آن داروها به روزه ضرر نمى‏رساند.

سؤال 767: نظر شريف جنابعالى درباره تزريق آمپول و ساير تزريقات نسبت به روزه‌داران در ماه مبارک رمضان، چيست؟
پاسخ: احتياط واجب آن است که روزه‏دار از آمپول‏هاى مقوّى يا مغذّى و هر آمپولى که در رگ تزريق مى‏شود و نيز انواع سرم‏ها خوددارى کند، لکن آمپول‏هاى دارويى که در عضله تزريق مى‏شود و نيز آمپول‏هايى که براى بى‏حسّ کردن به کار مى‏رود، مانعى ندارد.

سؤال 768: آيا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جايز است يا خير؟
پاسخ: اگر خوردن آن در ماه رمضان براى درمان فشار خون ضرورى باشد، اشکال ندارد، ولى با خوردن آن روزه باطل مى‏شود.

سؤال 769: اگر من و بعضى از مردم بر اين عقيده باشيم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا عنوان خوردن و آشاميدن صدق نمى‏کند، آيا عمل به آن جايز است و به روزه‏ام ضرر نمى‏زند؟
پاسخ: خوردن قرص روزه را باطل مى‏کند.

سؤال 770: اگر شوهر با همسر خود در ماه رمضان جماع نمايد و زن نيز به آن راضى باشد چه حکمى دارد؟
پاسخ: بر هر يک از آنان حکم افطار عمدى جارى است و علاوه بر قضا، کفّاره هم بر هر دو واجب است.

سؤال 771: اگر مردى با همسرش در روز ماه رمضان شوخى و ملاعبه نمايد، آيا به روزه‏اش ضرر مى‏رساند؟
پاسخ: اگر منجر به انزال منى نشود، به روزه خللى وارد نمى‏کند.

**بقاء بر جنابت**

سؤال 772: اگر فردى به سبب برخى از مشکلات تا اذان صبح بر جنابت باقى بماند آيا روزه گرفتن در آن روز براى او جايز است؟
ج : در غير ماه رمضان و قضاى آن اشکال ندارد، ولى نسبت به روزه ماه رمضان و قضاى آن، اگر معذور از غسل است، تيمم کردن بر او واجب است و اگر تيمم هم نکند، روزه‏اش صحيح نيست.

سؤال 773: اگر شخصى در حال جنابت چند روز روزه بگيرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحّت‏ روزه است، آيا کفّاره روزه‏هايى که در حال جنابت گرفته بر او واجب است يا اينکه قضاى آنها کافى است؟
پاسخ: در فرض مرقوم قضا کفايت مى‏کند.

سؤال 774: آيا جايز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نمايد و روزه قضا يا مستحب بگيرد؟
پاسخ: اگر عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقى بماند، روزه ماه رمضان و قضاى آن از او صحيح نيست، ولى اقوى صحّت‏ روزه‏هاى ديگر به‌خصوص روزه مستحبى است.

سؤال 775: شخصى در ماه رمضان در جايى مهمان شد و شب را در آن منزل خوابيد و در نيمه‏هاى شب محتلم گرديد و چون مهمان بود و با خود لباسى نداشت، براى فرار از روزه، تصميم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نمايد، لذا بعد از طلوع فجر بدون اينکه چيزى بخورد به قصد مسافرت، حرکت نمود. سؤال اين است که آيا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفّاره هست يا خير؟
پاسخ: اگر با حالت جنابت از خواب بيدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل يا تيمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و يا مسافرت در روز براى سقوط کفّاره از او کافى نيست.

سؤال 776: کسى که آب در اختيار ندارد و يا به دليل عذرهاى ديگر غير از تنگى وقت نمى‏تواند غسل جنابت بکند، آيا جايز است عمداً خود را در شبهاى ماه مبارک رمضان جنب کند؟
پاسخ: اگر وظيفه او تيمم باشد و بعد از اينکه خود را جنب کرده، وقت کافى براى تيمم داشته باشد، اين کار براى وى جايز است.

سؤال 777: شخصى در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بيدار شده و متوجه محتلم شدن خود نشده و دوباره خوابيده و در اثناى اذان صبح بيدار شده و علم به جنابت خود پيدا مى‏کند و يقين دارد که احتلامش قبل از اذان صبح بوده است، روزه او چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر پيش از اذان صبح متوجه احتلام خود نشده است، روزه‏اش صحيح است.

سؤال 778: اگر مکلّف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بيدار شود و ببيند که محتلم شده است و دوباره پيش از اذان صبح به اميد اينکه براى غسل کردن بيدار مى‏شود بخوابد و تا بعد از طلوع آفتاب در خواب بماند و غسل خود را تا اذان ظهر به تأخير بيندازد و بعد از اذان ظهر غسل کرده و نماز ظهر و عصر بخواند، روزه آن روز او چه حکمى دارد؟
پاسخ: در فرض سؤال که خوابِ اول است روزه‌اش صحيح است ولى اگر دوباره خوابيد و تا صبح بيدار نشد بايد قضاى آن روز را بجا آورد.

سؤال 779: اگر مکلّف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده يا نه، ولى به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بيدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است، چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر بعد از بيدارى اول اثرى از احتلام در خود مشاهده نکند، بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چيزى بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد، روزه‏اش صحيح است، هرچند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است.

سؤال 780: اگر شخصى در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از يک هفته متوجه شود که آن آب نجس بوده است، نماز و روزه او در اين مدت چه حکمى دارد؟
پاسخ: نمازش باطل و قضاى آن واجب است، ولى روزه‏هاى او محکوم به صحّت‏ است.

سؤال 781: شخصى مبتلا به بيمارى بيرون آمدن مستمر قطرات بول به‌صورت موقت است، يعنى بعد از بول کردن، به مدت يک ساعت يا بيشتر قطرات آن از او خارج مى‏گردد. با توجه به اينکه وى در بعضى از شبها جنب شده و گاهى يک ساعت قبل از اذان بيدار مى‏شود و احتمال مى‏دهد که بعد از آن منى با قطرات بول خارج شود، نسبت به روزه‏اش چه تکليفى دارد؟ وظيفه او براى اينکه با طهارت داخل وقت شود، چيست؟
پاسخ: اگر قبل از اذان صبح، غسل جنابت و يا تيمم بدل از آن انجام داده، روزه او صحيح است، هرچند بعد از آن بدون اختيار از او منى خارج شود.

سؤال 782: اگر شخصى قبل از اذان صبح يا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بيدار شود، چه مدتى براى غسل کردن وقت دارد؟
پاسخ: در فرض سؤال، جنابت به روزه آن روز او ضرر نمى‏زند، ولى واجب است که براى نماز غسل کند و مى‏تواند غسل را تا وقت نماز به تأخير بيندازد.

سؤال 783: اگر غسل جنابت براى روزه ماه رمضان يا روزه‏هاى ديگر فراموش شود و در اثناء روز به ياد انسان بيفتد، چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر در روزه ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نمايد، روزه‏اش باطل است و احوط اين است که قضاى روزه ماه رمضان هم در اين حکم به آن ملحق شود. ولى در ساير روزه‏ها، روزه بر اثر آن باطل نمى‏شود.

**استمناء**

سؤال 784: حکم کسى که با آميزش جنسى حرام يا استمناء يا خوردن و نوشيدن حرام روزه خود را در ماه رمضان باطل نموده چيست؟
پاسخ: در فرض مرقوم بايد شصت روز روزه بگيرد و يا شصت مسکين را اطعام نمايد و احتياط مستحب آن است که هر دو را انجام دهد.

سؤال 785: اگر مکلّف علم داشته باشد به اينکه استمناء روزه را باطل مى‏کند، ولى عمداً آن را انجام دهد، آيا کفّاره جمع بر او واجب مى‏شود؟
پاسخ: اگر عمداً استمناء کند و منى هم از او خارج شود، کفّاره جمع بر او واجب نمى‏شود لکن احتياط مستحب آن است که کفّاره جمع بپردازد.

سؤال 786: در ماه مبارک رمضان بدون وجود هيچ‌يک از آثار استمناء فقط بر اثر حالتى که هنگام مکالمه تلفنى با يک زن نامحرم در خود احساس کردم مايع منى از من خارج شد، با توجه به اينکه مکالمه با او به قصد لذت نبوده، خواهشمندم لطف نموده و به سؤالات من پاسخ فرماييد، آيا روزه‏ام باطل است يا خير؟ در صورت بطلان، آيا کفّاره هم بر من واجب است يا خير؟
پاسخ: اگر خروج منى بر اثر صحبت با يک زن جزء عادت‏هاى قبلى شما نبوده و به‌طور غيرارادى از شما خارج شده است، موجب بطلان روزه نمى‏شود و چيزى هم بر اثر آن بر شما واجب نيست.

سؤال 787: شخصى چندين سال عادت به استمناء در ماه رمضان و غير آن داشته است، نماز و روزه او چه حکمى دارد؟
پاسخ: استمناء مطلقاً حرام است و اگر منجر به خروج منى شود، موجب غسل جنابت هم مى‏شود، و اگر اين عمل در حال روزه در روز ماه رمضان صورت بگيرد، در حکم افطار عمدى با حرام است، و اگر نماز و روزه را با حالت جنابت و بدون غسل و تيمم انجام دهد، نماز و روزه‏اش باطل و قضاى آنها واجب است.

سؤال 788: آيا استمناء توسط همسر، حکم استمناء حرام را دارد؟
پاسخ: اين کار، از موارد استمناء حرام نيست.

سؤال 789: آيا جايز است شخص مجرد در صورتى که پزشک منى او را براى آزمايش بخواهد و راه ديگرى هم براى خارج کردن منى نداشته باشد، استمناء نمايد؟
پاسخ: اگر معالجه متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

سؤال 790: بعضى از مراکز پزشکى براى انجام آزمايشهاى پزشکى بر روى منى از انسان مى‏خواهند که استمناء کند تا معلوم شود که وى قادر بر بچه‏دار شدن هست يا خير، آيا استمناء براى او جايز است.
پاسخ: استمناء جايز نيست، هرچند براى تشخيص قدرت وى بر بچه‏دار شدن باشد، مگر آنکه ضرورتى ايجاب کند.

سؤال 791: تخيّل به قصد برانگيختن شهوت در دو صورت زير چه حکمى دارد؟
 الف: تخيّل همسر
 ب: تخيّل زن اجنبى‏
پاسخ: در فرض اول در صورتى که حرامى مانند انزال بر آن مترتّب نشود، اشکالى ندارد و در فرض دوّم، احتياط در ترک آن است.

سؤال 792: شخصى در ابتداى سن بلوغ روزه مى‏گرفته، ولى در اثناء روزه استمناء نموده و جنب شده و به همين صورت چند روز روزه گرفته است، در حالى که جهل داشته به اينکه براى روزه گرفتن تطهير از جنابت واجب است. آيا قضاى روزه‏هاى آن روزها کافى است يا اينکه تکليف ديگرى دارد؟
پاسخ: در فرض سؤال، قضا و بنا بر احتياط واجب کفّاره بر او واجب است.

سؤال 793: شخص روزه‏دارى در ماه رمضان به صحنه شهوت انگيزى نگاه کرده و جنب شده است. آيا با اين کار روزه‏اش باطل مى‏شود؟
پاسخ: اگر نگاه‌کردن او به قصد انزال بوده و يا مى‏دانسته که اگر به آن منظره نگاه کند، جنب مى‏شود و يا عادت او بر اين بوده است و در عين حال عمداً نگاه کرده و جنب شده، حکم جنابت عمدى را دارد يعنى هم قضاء بر عهده او مى‏باشد و هم کفّاره.

سؤال 794: انسان روزه دارى که در يک روز بيش از يکبار کارى که روزه را باطل مى‏کند انجام دهد وظيفه‏اش چيست؟
پاسخ: فقط يک کفّاره بر او واجب مى‏شود، بلى اگر اين کار آميزش جنسى يا استمناء باشد احتياط واجب آن است که بعدد دفعات آميزش جنسى يا استمناء کفّاره بدهد.

**کفاره روزه و مقدار آن**

سؤال 801: آيا دادن پول يک مدّ طعام به فقير تا با آن غذايى براى خودش بخرد، کافى است؟

پاسخ: اگر اطمينان داشته باشد که فقير به وکالت از او طعام خريده و سپس آن را به عنوان کفّاره قبول مى‏کند، اشکال ندارد.

سؤال 802: اگر شخصى وکيل در غذا دادن به عده‏اى از مساکين شود، آيا مى‏تواند اُجرت کار و پختن غذا را از اموالى که به عنوان کفّاره به او داده شده است، بردارد؟

پاسخ: مطالبه اجرت کار و پخت غذا براى وى جايز است، ولى نمى‏تواند آن را بابت کفّاره حساب نمايد و يا از اموالى که بايد به عنوان کفّاره به فقرا داده شود، بردارد.

سؤال 803: زنى به علت باردارى و نزديکى وقت زايمان، نمى‏تواند روزه بگيرد و مى‏داند که بايد آنها را بعد از زايمان و قبل از ماه رمضان آينده قضا نمايد، اگر به‌طور عمدى يا غيرعمدى تا چند سال روزه نگيرد، آيا فقط کفّاره همان سال بر او واجب است يا آنکه کفّاره تمام سالهايى که روزه را به تأخير انداخته، واجب است؟

پاسخ: فديه تأخير قضاى روزه ماه رمضان هرچند به مدت چند سال هم به تأخير افتاده باشد، يکبار واجب است و آن عبارت است از يک مدّ طعام براى هر روزى، و فديه هم زمانى واجب مى‏شود که تأخير قضاى روزه ماه رمضان تا ماه رمضان ديگر بر اثر سهل‌انگارى و بدون عذر شرعى باشد، ولى اگر به خاطر عذرى باشد که شرعاً مانع صحّت‏ روزه است، فديه‏اى ندارد.

سؤال 804: زنى به علت بيمارى از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آينده هم نيست، در اين صورت آيا کفّاره بر او واجب است يا بر شوهرش؟

پاسخ: اگر افطار روزه ماه رمضان از جهت بيمارى و تأخير قضاى آن هم از جهت ادامه بيمارى بوده است، براى هر روز يک مدّ طعام به عنوان فديه بر خود زن واجب است و چيزى بر عهده شوهرش نيست.

سؤال 805: شخصى ده روز روزه بر عهده دارد و در روز بيستم شعبان شروع به روزه گرفتن مى‏کند، آيا در اين صورت مى‏تواند عمداً روزه خود را قبل يا بعد از زوال، افطار کند؟ در صورتى که قبل يا بعد از زوال افطار نمايد، چه مقدار کفّاره دارد؟

پاسخ: در فرض مذکور افطار عمدى براى او جايز نيست و اگر عمداً افطار کند، در صورتى که قبل از زوال باشد، کفّاره‏اى بر او واجب نيست و اگر بعد از زوال باشد، کفّاره بر او واجب است که عبارت است از غذا دادن به ده مسکين، و در صورت عدم تمکن، واجب است سه روز روزه بگيرد.

سؤال 806: زنى در دو سال متوالى در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ايام را نداشته است، ولى در حال حاضر توانايى روزه گرفتن را دارد، حکم او چيست؟ آيا کفّاره جمع بر او واجب است يا فقط قضاى آن را بايد به جا آورد؟ تأخير او در قضاى روزه چه حکمى دارد؟

پاسخ: اگر بر اثر عذر شرعى روزه ماه رمضان را نگرفته، فقط قضا بر او واجب است، و اگر عذر او در خوردن روزه خوف از ضرر روزه بر جنين يا کودکش بوده، بايد علاوه بر قضا، براى هر روز يک مد طعام به عنوان فديه بپردازد، و اگر قضا را بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان سال بعد، بدون عذر شرعى به تأخير انداخته، فديه ديگرى هم بر او واجب است يعنى بايد براى هر روز يک مد طعام به فقير بدهد.

سؤال 807: آيا رعايت ترتيب بين قضا و کفّاره، در کفّاره روزه واجب است يا خير؟

پاسخ: واجب نيست.

**قضای روزه**

سؤال 808: هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه رمضان براى انجام مأموريت دينى بر عهده‏ام مى‌‏باشد، وظيفه من چيست؟ آيا قضاى آنها بر من واجب است؟
پاسخ: قضاى روزه‏‌هاى ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است.

سؤال 809: اگر کسى براى گرفتن روزه قضاى ماه رمضان اجير شود و بعد از زوال افطار کند، آيا کفّاره بر او واجب است يا خير؟
پاسخ: کفّاره بر او واجب نيست.

سؤال 810: کسانى که در ماه رمضان براى انجام وظيفه دينى در مسافرت هستند و به همين دليل نمى‏توانند روزه بگيرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخير، بخواهند روزه بگيرند، آيا پرداخت کفّاره بر آنها واجب است؟
پاسخ: اگر قضاى روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذرى که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آينده به تأخير انداخته باشند، قضاى روزه‏‌هايى که از آنان فوت شده کافى است، و واجب نيست براى هر روزى يک مدّ طعام فديه بدهند، هرچند احتياط در جمع بين قضا و فديه است. ولى اگر تأخير در قضاى روزه به خاطر سهل‏‌انگارى و بدون عذر باشد، جمع بين قضا و فديه بر آنها واجب است.

سؤال 811: شخصى به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به سوى خدا بازگشته و تصميم بر جبران آنها گرفته است، ولى توانايى قضاى همه روزه‏‌هاى فوت شده را ندارد و مالى هم ندارد که با آن کفّاره‏‌هايش را بپردازد، آيا صحيح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟
پاسخ: قضاى روزه‏هاى فوت شده در هيچ صورتى ساقط نمى‌‏شود، ولى نسبت به کفّاره افطار عمدى روزه ماه رمضان، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و يا اطعام شصت مسکين براى هر روز نداشته باشد، بايد به هر تعداد فقير که قادر است غذا بدهد و احتياط آن است که استغفار نيز بکند و اگر به هيچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نيست فقط کافى است که استغفار کند يعنى با دل و زبان خود بگويد: «استغفرالله (از خداوند بخشايش مى‏‌طلبم)».

سؤال 812: من به علّت عدم قدرت مالى و بدنى نتوانستم براى انجام کفّاره‌هايى که بر من واجب شده بود روزه بگيرم و يا به مساکين اطعام نمايم و در نتيجه، استغفار نمودم لکن به لطف الهى اکنون توان روزه گرفتن يا اطعام نمودن دارم، وظيفه‏ام چيست؟
پاسخ: در فرض مرقوم، انجام کفّاره لازم نيست گر چه احتياط مستحب آن است که انجام داده شود.

سؤال 813: اگر شخصى بر اثر جهل به وجوب قضاى روزه تا قبل از ماه رمضان سال آينده قضاى روزه‏هايش را به تأخير اندازد، چه حکمى دارد؟
پاسخ: فديه تأخير قضاى روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمى‏شود.

سؤال 814: فردى که به مدت صد و بيست روز روزه نگرفته، چه وظيفه‏اى دارد؟ آيا بايد براى هر روز شصت روز روزه بگيرد؟ و آيا کفّاره بر او واجب است؟
پاسخ: قضاى آنچه از ماه رمضان از او فوت شده، بر او واجب است، و اگر افطار عمدى و بدون عذر شرعى بوده، علاوه بر قضا، کفّاره هر روز هم واجب است که عبارت است از شصت روز روزه يا اطعام شصت فقير و يا دادن شصت مد طعام به شصت مسکين که سهم هر کدام يک مدّ است.

سؤال 815: تقريباً يک ماه روزه گرفته‌‏ام به اين نيت که اگر روزه‏اى بر عهده‏ام باشد قضاى آن محسوب شود و اگر روزه‏اى بر عهده‏‌ام نيست به قصد قربت مطلق باشد، آيا اين يک ماه روزه به حساب روزه‏‌هاى قضايى که بر ذمّه دارم، محسوب مى‌‏شود؟
پاسخ: اگر به نيت آنچه که در زمان روزه گرفتن شرعاً مأمور به آن بوده‌‏ايد، اعم از روزه قضاء يا مستحبى، روزه گرفته‌‏ايد و روزه قضا هم برعهده شما باشد، به عنوان روزه قضاء محسوب مى‏‌شود.

سؤال 816: کسى که نمى‏داند چه مقدار روزه قضا دارد و با فرض داشتن روزه قضا روزه مستحبى بگيرد، اگر معتقد باشد که روزه قضا ندارد، آيا به عنوان روزه قضا محسوب مى‏شود؟
پاسخ: روزه‏‌هايى را که به نيت استحباب گرفته به جاى روزه قضايى که بر عهده‏‌اش هست، محسوب نمى‌‏شود.

سؤال 817: نظر شريف جنابعالى درباره شخصى که بر اثر جهل به مسأله، عمداً روزه‌‏اش را افطار کرده، چيست؟ آيا فقط قضا بر او واجب است يا اينکه کفّاره هم بايد بدهد؟
پاسخ: اگر به سبب بى‌اطلاعى از حکم شرعى، کارى را انجام دهد که روزه را باطل مى‌کند ـ مثل اينکه نمى‌دانست خوردن دارو نيز مانند ساير خوردني‌ها روزه را باطل مى‌کند و در روز ماه رمضان دارو خورد ـ روزه‌اش باطل است و بايد آن را قضا کند ولى کفّاره بر او واجب نيست.

سؤال 818: کسى که در اوائل سن تکليف بر اثر ضعف و عدم توانايى، نتوانسته روزه بگيرد، آيا فقط قضا بر او واجب است يا قضا و کفّاره با هم بر او واجب است؟
پاسخ: اگر گرفتن روزه براى او حرجى نبوده و عمداً افطار کرده، علاوه بر قضا، کفّاره نيز بر او واجب است و اگر خوف داشته باشد که اگر روزه بگيرد مريض شود، فقط قضاى روزه‏ها بر عهده او مى‏باشد.

سؤال 819: کسى که تعداد روزهايى که روزه نگرفته و مقدار نمازهايى را که نخوانده نمى‏داند، وظيفه‏اش چيست؟ کسى هم که نمى‌‏داند روزه‏اش را بر اثر عذر شرعى افطار کرده و يا عمداً آن را خورده است، چه حکمى دارد؟
پاسخ: جايز است که به قضاى آن مقدار از نماز و روزه‏هايش که يقين به فوت آنها دارد، اکتفا نمايد، و در صورت شک در افطار عمدى کفّاره واجب نيست.

سؤال 820: اگر شخصى که در ماه رمضان روزه دار است، در يکى از روزها براى خوردن سحرى بيدار نشود و لذا نتواند روزه را تا غروب ادامه دهد و در وسط روز حادثه‏اى براى او اتفاق بيفتد و روزه را افطار کند، آيا يک کفّاره بر او واجب است يا کفّاره جمع؟
پاسخ: اگر روزه را تا حدى ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگى و گرسنگى براى او حرجى شود و در نتيجه آن را افطار نمايد، فقط قضا بر او واجب است و کفّاره‏اى ندارد.

سؤال 821: اگر شک کنم در اينکه اقدام به گرفتن قضاى روزه‏‌هايى را که بر عهده‌‏ام بوده، کرده‌‏ام يا خير تکليف من چيست؟
پاسخ: اگر يقين به اشتغال قبلى ذمّه خود داريد، واجب است به مقدارى که موجب يقين به انجام تکليف مى‏شود، روزه قضاء بگيريد.

سؤال 822: کسى که هنگام بلوغ فقط يازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته و يک روز را هم در موقع ظهر افطار کرده و در مجموع هجده روز روزه نگرفته است، و در مورد آن هجده روز نمى‏دانسته که با ترک عمدى روزه کفّاره بر او واجب است، چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر روزه ماه رمضان را از روى عمد و بدون عذر شرعى افطار کرده، بايد علاوه بر قضا، کفّاره هم بدهد اعم از اينکه هنگام خوردن روزه عالم به وجوب کفّاره و يا جاهل به آن باشد.

سؤال 823: اگر پزشک به بيمارى بگويد که روزه براى شما ضرر داد و او هم روزه نگيرد، ولى بعد از چند سال بفهمد که روزه براى وى ضرر نداشته و پزشک در تشخيص خود اشتباه کرده است، آيا قضا و کفّاره بر او واجب است؟
پاسخ: اگر از گفته پزشک متخصص و امين و يا از منشأ عقلايى ديگر، خوف از ضرر پيدا کند و روزه نگيرد، فقط قضا بر او واجب است.

مسائل متفرقه روزه

|  |  |
| --- | --- |
| بزرگ نمایی | کوچک نمایی |

سؤال 824: اگر زنى در حال روزه نذرى معيّن حيض شود، چه حکمى دارد؟
پاسخ: روزه با عارض شدن حيض باطل مى‏ شود و قضاى آن بعد از طهارت واجب است.

سؤال 825: شخصى از اول ماه رمضان تا بيست و هفتم ماه را در وطن خود (بندر ديّر)روزه گرفته و در صبح روز بيست و هشتم به دبى مسافرت کرده و در روز بيست و نهم به آنجا رسيده و متوجه شده که در آنجا عيد اعلام شده است، او اکنون به وطن خود برگشته، آيا قضاى روزه ‏هايى که از وى فوت شده، واجب است؟ اگر يک روز قضا نمايد، ماه رمضان نسبت به او بيست و هشت روز مى‌‏شود و اگر بخواهد دو روز قضا کند، روز بيست و نهم در جايى بوده که در آنجا عيد اعلام شده بود، اين شخص چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر اعلان عيد در روز بيست و نهم در آن مکان، به نحو شرعى و صحيح باشد، قضاى آن روز بر او واجب نيست، ولى با فرض اينکه افق دو محل يکى بوده اين امر کشف مى‌‏کند که يک روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضاى روزه‏اى را که يقين به فوت آن دارد، بجا آورد.

سؤال 826: اگر روزه‏‌دارى هنگام غروب در سرزمينى افطار کرده باشد و سپس به جايى مسافرت کند که خورشيد در آن هنوز غروب نکرده است، روزه آن روز او چه حکمى دارد؟ آيا تناول مفطرات براى او در آنجا قبل از غروب خورشيد جايز است؟
پاسخ: روزه او صحيح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشيد با فرض اينکه در وقت غروب در سرزمين خود افطار کرده، براى او جايز است.

سؤال 827: شهيدى به يکى از دوستانش وصيت نموده که احتياطاً از طرف وى چند روز روزه قضا بگيرد، ولى ورثه شهيد به اين مسائل پايبند نيستند و طرح وصيت او هم براى آنها ممکن نيست و روزه گرفتن هم براى دوست آن شهيد مشقت دارد، آيا راه حل ديگرى وجود دارد؟
پاسخ: اگر آن شهيد به دوست خود وصيت کرده که خودش شخصاً براى او روزه بگيرد، ورثه او در اين مورد تکليفى ندارند، و اگر براى آن فرد روزه گرفتن به نيابت از شهيد مشقت دارد، تکليف از او ساقط است.

سؤال 828: من فردى کثير الشک هستم و يا به تعبير دقيق‏تر زياد وسوسه مى‏شوم، و در مسائل دينى به‌خصوص فروع دين زياد شک مى‌‏کنم، يکى از موارد آن اين است که در ماه رمضان گذشته شک کردم که آيا غبار غليظى که وارد دهان من شده آن را فرو برده‌‏ام يا خير؟ و يا آبى را که داخل دهانم کردم، خارج کرده و بيرون ريختم يا نه؟ در نتيجه آيا روزه من صحيح است يا خير؟
پاسخ: روزه شما در فرض سؤال محکوم به صحّت‏ است و اين شکها اعتبارى ندارند.

سؤال 829: آيا حديث شريف کساء را که از حضرت فاطمه زهرا(سلام‌الله‌ عليها) نقل شده، حديث معتبرى مى‏‌دانيد؟ آيا نسبت‌دادن آن در حالت روزه به حضرت زهراى مرضيه (سلام‌الله‌عليها) جايز است؟
پاسخ: اگر نسبت دادن آن به‌صورت حکايت و نقل از کتابهايى باشد که آن را نقل کرده‌‏اند، اشکال ندارد.

سؤال 830: از بعضى از علما و غير آنان شنيده‌‏ايم که اگر انسان هنگام روزه مستحبى به خوردن غذا دعوت شود، مى‏تواند آن را قبول کرده و مقدارى از غذا ميل کند و با اين کار روزه‏اش باطل نمى‏شود، بلکه ثواب هم دارد اميدواريم نظر شريف خود را در اين‌باره بيان فرماييد.
پاسخ: قبول دعوت مؤمن در حال روزه مستحبى، شرعاً امرى پسنديده است و خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هرچند روزه را باطل مى‏‌کند، ولى او را از اجر و ثواب روزه محروم نمى‏سازد.

سؤال 831: دعاهايى مخصوص ماه رمضان به‌صورت دعاى روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، قرائت آنها در صورت شک در صحّت‏‌شان چه حکمى دارد؟
پاسخ: به هر حال اگر قرائت آنها به قصد رجاء ورود و مطلوبيت باشد، اشکال ندارد.

سؤال 832: شخصى قصد داشت روزه بگيرد، ولى براى خوردن سحرى بيدار نشد، لذا نتوانست روزه بگيرد. آيا گناه روزه نگرفتن او به عهده خود وى است يا کسى که او را بيدار نکرده است؟ اگر فردى بدون سحرى روزه بگيرد، آيا روزه‌‏اش صحيح است؟
پاسخ: در اين مورد چيزى بر عهده ديگران نيست، و روزه بدون خوردن سحرى هم صحيح است.

سؤال 833: روزه روز سوم ايام اعتکاف در مسجدالحرام، چه حکمى دارد؟
پاسخ: اگر مسافر باشد و قصد اقامت ده روز در مکه مکرّمه نمايد و يا نذر کرده باشد که در سفر روزه بگيرد، بر او واجب است بعد از اينکه دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه روز سوم کامل کند. ولى اگر قصد اقامت و يا نذر روزه در سفر نکرده باشد، روزه او در سفر صحيح نيست و با عدم صحّت‏ روزه، اعتکاف هم صحيح نيست.

**رویت هلال**

سؤال 834: همانطور که مى‌دانيد، وضعيت هلال در آخر يا اول ماه به يکى از حالت‌هاى زير است:
1. غروب هلال قبل از غروب خورشيد باشد.
2. غروب هلال مقارن با غروب خورشيد باشد.
3. غروب هلال بعد از غروب خورشيد باشد.
لطفاً بيان فرماييد کدام يک از حالات سه گانه فوق را مى‌توان براى تعيين اول ماه به حساب آورد؟
پاسخ:  در هر سه فرض، رؤيت هلال براى اثبات حلول ماه قمرى جديد از شبى که پس از رؤيت است کفايت مى‌کند.

سؤال 835: آيا رؤيت تصوير هلال ماه با استفاده از دوربين CCD و انعکاس نور و بازخوانى اطلاعات ضبط شده توسط رايانه، براى اثبات اول ماه کفايت مى‏کند؟
پاسخ:  رؤيت با وسيله، فرقى با رؤيت به طريق عادى ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤيت محفوظ باشد. پس رؤيت با چشم و با عينک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. اما در مورد انعکاس به رايانه که درآن صدق عنوان رؤيت معلوم نيست محل اشکال است.

سؤال 836: اگر هلال ماه شوال در يک شهر ديده نشود، ولى تلويزيون و راديو از حلول آن خبر دهند، آيا کافى است يا تحقيق بيشترى واجب است؟
پاسخ:  اگر مفيد اطمينان به ثبوت هلال گردد يا صدور حکم به هلال از طرف ولى فقيه باشد، کافى است و نيازى به تحقيق نيست.

سؤال 837: اگر تعيين اول ماه رمضان و عيد سعيد فطر به علت عدم امکان رؤيت هلال اول ماه به سبب وجود ابر در آسمان يا اسباب ديگر، ممکن نباشد و سى روز ماه شعبان يا ماه رمضان کامل نشده باشد، آيا براى ما که در ژاپن زندگى مى‏کنيم، جايز است که به افق ايران عمل کرده و يا به تقويم اعتماد کنيم؟ وظيفه ما چيست؟
پاسخ:  اگر اول ماه از طريق رؤيت هلال حتى در افق شهرهاى مجاورى که اتحاد افق دارند، و يا از طريق شهادت دو فرد عادل و يا از طريق حکم حاکم ثابت نشود، بايد احتياط کرد تا اول ماه ثابت شود.

سؤال 838: آيا اتحاد افق در رؤيت هلال شرط است يا خير؟
پاسخ:  بلى شرط است.

سؤال 839: مقصود از اتحاد افق چيست؟
پاسخ:  منظور از آن، شهرهايى است که از جهت احتمال رؤيت و عدم احتمال رؤيت هلال يکسان باشند.

سؤال 840: اگر روز بيست و نهم ماه در تهران و خراسان عيد باشد، آيا براى افرادى هم که در شهرى مانند بوشهر مقيم هستند، جايز است افطار کنند؟ با توجه به اينکه افق تهران و خراسان با افق بوشهر يکى نيست.
پاسخ:  به‌طور کلّى اگر اختلاف بين افق دو شهر به مقدارى باشد که با فرض رؤيت هلال در يکى، هلال در ديگرى قابل رؤيت نباشد، رؤيت آن در شهرهاى غربى براى مردم شهرهاى شرقى که احتمال رؤيت در آن به‌طور قطع و يقين منتفى باشد، کفايت نمى‌کند.

سؤال 841: اگر بين علماى يک شهر راجع به ثبوت هلال يا عدم آن اختلاف رخ دهد و عدالت آنها هم نزد مکلّف ثابت بوده و به دقت همه آنها در استدلال خود مطمئن باشد، وظيفه واجب مکلّف چيست؟
پاسخ:  اگر اختلاف دو بيّنه به‌صورت نفى و اثبات باشد، يعنى يکى مدعى ثبوت هلال و ديگرى مدعى عدم ثبوت آن باشد، اين اختلاف موجب تعارض دو بينه و تساقط هر دو است، و وظيفه مکلّف اين است که هر دو نظر را کنار گذاشته و درباره افطار کردن يا روزه گرفتن به آنچه که مقتضاى اصل است، عمل نمايد. ولى اگر بين ثبوت هلال و عدم علم به ثبوت آن اختلاف داشته باشند، به اين صورت که بعضى از آنها مدعى رؤيت هلال باشند و بعضى ديگر مدعى عدم مشاهده آن، قول کسانى که مدعى رؤيت هلال هستند، در صورت عادل بودن، حجت شرعى براى مکلّف است و بايد از آن متابعت کند، و همچنين اگر حاکم شرعى حکم به ثبوت هلال نمايد، حکم وى حجت شرعى براى همه مکلفين است و بايد از آن پيروى کنند.

سؤال 842: اگر شخصى هلال ماه را ببيند و بداند که رؤيت هلال براى حاکم شرع شهر او به هر علتى ممکن نيست، آيا او مکلّف است که رؤيت هلال را به حاکم اطلاع دهد؟
پاسخ:  اعلام بر او واجب نيست مگر آنکه ترک آن مفسده داشته باشد.

سؤال 843: همانگونه که مى‏دانيد اکثر فقهاى بزرگوار پنج راه براى ثبوت اول ماه شوال در رساله‏هاى عمليه خود بيان کرده‏اند که ثبوت نزد حاکم شرع در ضمن آنها نيست، بنا بر اين چگونه بيشتر مؤمنين به مجرد ثبوت اول ماه شوال نزد مراجع، روزه خود را افطار مى‏کنند؟ شخصى که از اين راه اطمينان به ثبوت هلال پيدا نمى‏کند، چه تکليفى دارد؟
پاسخ:  تا حاکم حکم به رؤيت هلال نکرده، مجرد ثبوت هلال نزد او، براى تبعيّت ديگران از وى کافى نيست، مگر آنکه اطمينان به ثبوت هلال حاصل نمايند.

سؤال 844: اگر ولى امر مسلمين حکم نمايد که فردا عيد است و راديو و تلويزيون اعلام کنند که هلال در چند شهر ديده شده است، آيا عيد براى تمامى نواحى کشور ثابت مى‏شود يا فقط براى شهرهايى که ماه در آنها ديده شده و شهرهاى هم افق با آنها، ثابت مى‏گردد؟
پاسخ:  اگر حکم حاکم شامل همه کشور باشد، حکم او شرعاً براى همه شهرها معتبر است.

سؤال 845: آيا کوچکى هلال و باريک بودن و اتصاف آن به خصوصيات هلال شب اول، دليل بر اين محسوب مى‏شود که شب قبل شب اول ماه نبوده، بلکه شب سى‏ام ماه قبلى بوده است؟ اگر عيد براى شخصى ثابت شود و از اين راه يقين پيدا کند که روز قبل عيد نبوده، آيا قضاى روزه روز سى‏ام ماه رمضان را بايد به جا آورد؟
پاسخ:  مجرد کوچکى و پائين بودن هلال يا بزرگى و بالا بودن و يا پهن يا باريک بودن آن دليل شرعى شب اول يا دوم بودن نيست، ولى اگر مکلّف از آن علم به چيزى پيدا کند بايد به مقتضاى علم خود در اين زمينه عمل نمايد.

سؤال 846: آيا استناد به شبى که در آن ماه به‌صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) و اعتبار آن به عنوان دليل براى محاسبه اول ماه جايز است تا از اين راه وضعيت يوم الشک معلوم شود که مثلاً روز سى ام ماه رمضان است و احکام روز ماه رمضان بر آن مترتب شود، مثلاً بر کسى که اين روز را بر اساس بيّنه روزه نگرفته، حکم به وجوب قضاى روزه شود و کسى هم که به دليل استصحاب بقاى ماه رمضان روزه گرفته، برى‏ء الذمّه باشد؟
پاسخ:  امر مذکور حجت شرعى بر آنچه ذکر شد، نيست، ولى اگر مفيد علم به چيزى براى مکلّف باشد، واجب است که طبق آن عمل نمايد.

سؤال 847: آيا استهلال در اول هر ماه واجب کفايى است يا احتياط واجب؟
پاسخ:  استهلال فى‌نفسه واجب شرعى نيست.

سؤال 848: آيا اول ماه مبارک رمضان و آخر آن با رؤيت هلال ثابت مى‏شود يا با تقويم، هرچند ماه شعبان سى روز نباشد؟
پاسخ:  اول يا آخر ماه رمضان با رؤيت شخص مکلّف يا با شهادت دو فرد عادل يا با شهرتى که مفيد علم است يا با گذشت سى روز و يا به وسيله حکم حاکم ثابت مى‏شود.

سؤال 849: اگر تبعيت از اعلام رؤيت هلال توسط يک دولت جايز شد، و آن اعلام معيارى علمى براى ثبوت هلال سرزمين‌هاى ديگر را تشکيل دهد، آيا اسلامى بودن آن حکومت شرط است، يا اينکه عمل به آن حتى اگر حکومت ظالم و فاجر هم باشد، ممکن است؟
پاسخ:  ملاک در اين مورد، حصول اطمينان به رؤيت در منطقه‏اى است که نسبت به مکلّف کافى محسوب مى‏شود.